

# بررسی ضرورت سیاست‌گذاری و وضع قانون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۰/۲۳

شماره مسلسل: ۲۰۳۵۱

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

**عنوان گزارش:**

بررسی ضرورت سیاست‌گذاری و وضع قانون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران و ارائه پیشنهادهای سیاستی

نوع گزارش: طرح/ لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □

**نام دفتر:**

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه ورزش، گردشگری و صنایع دستی)

**تهیه و تدوین:**

سوسن چراغچی (گروه ورزش، گردشگری و صنایع دستی)

**مدیر مطالعه:**

سعید شفیعا

**اظهار نظر کنندگان داخل مرکز:**

علی عبدالاحد و محمد آدمی (دفتر مطالعات حقوقی)

**ناظر علمی:**

موسی بیات

**گرافیک و صفحه آرایی:**

سیده فاطمه ابوطالبی

**ویراستار ادبی:**

مهدیه قمچیلی

**واژه‌های کلیدی:**

۱. میراث ناملموس
۲. سیاست کلی فرهنگی
۳. صیانت از میراث ناملموس

**تاریخ شروع مطالعه:**

۱۴۰۳/۰۱/۱۵



دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ

## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. زمینه بین‌المللی در خصوص میراث ناملموس.....	۱۰
۳. رویکرد سایر کشورها با میراث ناملموس.....	۱۱
۴. زمینه میراث فرهنگی ناملموس در کشور.....	۱۲
۵. منافع پرداختن به میراث ناملموس.....	۱۴
۱-۵. جایگاه میراث فرهنگی ناملموس در تقویت هویت و هم‌بستگی ملی و فراملی.....	۱۴
۲-۵. نقش میراث فرهنگی ناملموس در تأمین امنیت و منافع ملی.....	۱۵
۳-۵. نقش میراث فرهنگی ناملموس در پیشرفت و توسعه.....	۱۵
۶. چالش‌های مرتبط با میراث ناملموس.....	۱۵
۱-۶. عدم کفایت ثبت محوری.....	۱۵
۲-۶. ناکافی بودن تکیه بر قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس.....	۱۶
۳-۶. نبود ضمانت کیفری.....	۱۷
۴-۶. لزوم حمایت از حقوق مالکیت معنوی ذی‌نفعان.....	۱۷
۵-۶. لزوم اقدامات تقنینی و سیاست‌گذاری اصلاحی.....	۱۸
۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....	۱۹
۱-۷. پیشنهادهای سیاستی.....	۱۹
۲-۷. تصویب قانون جدید.....	۱۹
۳-۷. تأسیس پایگاه و یا مرکز میراث ناملموس ایران.....	۲۰
منابع و مآخذ.....	۲۱



## بررسی ضرورت سیاست‌گذاری و وضع قانون صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی

### چکیده



میراث فرهنگی ناملموس بخش مهم و جدایی‌ناپذیر حوزه میراث فرهنگی است. با این حال قوانین و مقررات این بخش در مقایسه با حوزه میراث فرهنگی ملموس، از غنا و کفایت لازم برخوردار نیست. بالتبع، صیانت از میراث فرهنگی ناملموس در ایران در غیاب یک قانون کامل و کارآمد، عمدتاً محدود به شناسایی و ثبت مصداق‌های میراث فرهنگی ناملموس در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی شده است. با این حال، نظر به شرایط و اقتضات فعلی به‌ویژه حاکمیتی بودن حوزه میراث فرهنگی طبق قوانین موجود کشور، شایسته است نقش ترویجی و پشتیبانی دولت و دستگاه‌های اجرایی متولی این حوزه، در همه عرصه‌های حقوقی و اجرایی، همسو و هماهنگ با حرکت خودجوش مردمی، در چارچوب سیاست‌گذاری و وضع قانون مناسب، تبیین و نهادینه شود. همچنین، باید ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل میراث ناملموس در پیشرفت و توسعه حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور شناسایی و در قالب سیاست‌گذاری و وضع قانون مورد نظر پیش‌بینی شود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های کلی فرهنگی که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه می‌شود، ملاحظات حمایتی از میراث ناملموس در جوامع محلی و هدایت مردم در این خصوص با رعایت اصول اخلاقی اسلامی - ایرانی در نظر گرفته شود. همچنین تصویب قانونی در حوزه صیانت از میراث ناملموس با تأکید بر ترویج و توانمندسازی جوامع محلی لازم به نظر می‌رسد. بنابراین، می‌توان اقدامات دستگاه‌های اجرایی را نه صرفاً به ثبت بلکه به فعال‌سازی و به‌کارگیری مردم در پایگاه‌ها یا مراکز میراث ناملموس هدایت کرد.



## شرح / بیان مسئله

با تصویب «قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس» در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۲ [۱] صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران نیز به مجموعه اهداف و مأموریت‌های دولت در حوزه حمایت از میراث فرهنگی افزوده شد. شایان ذکر است، مفهوم میراث فرهنگی ناملموس، موضوعی جدید و ابداع کنوانسیون فوق‌الذکر و قانون الحاق ایران به آن معاهده نیست بلکه پیش از این و طی هزاران سال تمدن مردم ایران حیاتی بالنده داشته و زنده و پویا به امروز رسیده است.

اهتمام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، به ثبت مصداق میراث فرهنگی ناملموس ایران در فهرست داخلی و ۲۴ مصداق در فهرست جهانی یونسکو انجامیده است. این وزارت همچنین تعدادی از استادکاران و حاملان مصادیق مختلف میراث فرهنگی ناملموس ایران از جمله دانش، فنون و هنرهای سنتی را شناسایی کرده و نام ایشان را به عنوان گنجینه‌های زنده بشری در فهرست‌های داخلی ثبت نموده است. این نمونه‌ها، موفقیتی چشمگیر در زمینه حمایت از میراث فرهنگی ناملموس بوده و مؤید آن است که وزارت، دست کم در زمینه ثبت مصداق‌های میراث ناملموس اهتمام لازم را دارد. صرف‌نظر از اینکه هنوز هیچ پایگاه اطلاع‌رسانی عمومی درباره نام و مشخصات مصادیق ثبت شده ایران در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی ایجاد نشده است، هیچ مصوبه یا اقدام تقنینی خاصی در قالب سیاست‌های کلی نظام یا قوانین بالادستی مشاهده نمی‌شود.

## نقطه نظرات / افته‌های کلیدی

- ثبت مصادیق در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی، فقط یکی از اقدام‌های لازم برای صیانت از میراث فرهنگی ناملموس و یا حتی به نوعی، مقدمه‌ای بر آغاز مراحل مختلف صیانت است.
- علاوه بر ثبت، برای پاسداری از این میراث ارزشمند فعالیت‌ها و اقدام‌های زیر ضروری است:
  - مستندسازی مصادیق زنده و یا حتی مصادیق منسوخ شده،<sup>۱</sup>
  - شناسایی و تفکیک مصادیق سودمند از مصادیق مغایر با اخلاق و حقوق انسانی و حقوق شهروندی،<sup>۲</sup>
  - پژوهش، ترویج و کمک به آموزش و انتقال میراث ناملموس به نسل جوان به‌طور رسمی و غیررسمی از طریق حمایت‌های مادی و حقوقی از دارندگان، استادکاران، هنرمندان و سایر ذی‌نفعان این حوزه،
  - ایجاد زمینه‌های کاربردی‌سازی میراث فرهنگی ناملموس در حیات جاری و معیشتی جامعه و نیز تلفیق ابعاد مختلف آن با برنامه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی.
- تعلل از جانب وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در زمینه اقدامات صیانت فوق‌الذکر - به جز ثبت - به دلیل قصور از وظایف قانونی خود در این زمینه‌ها نیست زیرا اساساً وظیفه‌ای قانونی در این خصوص برای وزارت نام‌برده مشخص نشده است. به بیان دیگر، به جز قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، که آن هم صرفاً مجوز الحاق ایران به معاهده را صادر و مفاد آن را عیناً تکرار کرده است، قانون دیگری در زمینه میراث ناملموس وجود ندارد.
- با این حال، وزارت نام‌برده در خصوص تنظیم و تقدیم پیش‌نویس قانون مدنظر به مجلس شورای اسلامی با شناسایی کاستی‌ها و ضرورت‌های حوزه میراث ناملموس هیچ اقدامی انجام نداده و همچنان به تداوم رویه ثبت مصادیق اکتفا کرده است.

۱. به‌منظور آگاهی نسل‌های امروز و آینده.

۲. با هدف فرهنگ‌سازی عمومی.



## پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به حاکمیتی بودن موضوع میراث فرهنگی ناملموس، روشن است که صیانت از این میراث ارزشمند (که در عین حال بخش جدایی ناپذیر میراث ملموس است) و کاربردی‌سازی آن در حیات جامعه و تلفیق این کاربردها با برنامه‌های توسعه‌ای، ضرورتی اکید و نیازمند پشتیبانی دولت است. پیش‌زمینه حمایت دولت از میراث فرهنگی ناملموس، مانند هر موضوع اجرایی دیگر، مستلزم سیاستگذاری و سپس وضع قانون مختص صیانت از میراث فرهنگی ناملموس است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

■ تدوین سیاست راهبردی در قالب سیاست‌های کلی نظام تهیه شده از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در خصوص میراث ناملموس ایران با تأکید بر ملاحظات اسلامی ایرانی.

■ بر مبنای این سیاست، پیش‌نویس قانون میراث ناملموس تهیه شود. لازم است در این قانون علاوه بر تعیین وظایف دستگاه‌های مجری ذی‌ربط، شیوه‌های صیانت و پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس و حمایت از حقوق مادی و معنوی ذی‌حق آن تبیین شود.

■ باید جرم‌انگاری‌های مربوط به حوزه میراث فرهنگی ناملموس نیز به فصل نهم کتاب پنجم قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ ناظر بر جرائم میراث فرهنگی افزوده شود.

■ شیوه‌های کاربردی‌سازی میراث ناملموس در زندگی امروزی و استفاده از ظرفیت‌های آن در امر توسعه و سیاست خارجی در این قانون در نظر گرفته شود.

## ۱. مقدمه

میراث فرهنگی ناملموس را میراث زنده می‌نامند زیرا از بطن جامعه برخاسته و همانند بستر انسانی خود، حیات جاری و پویا دارد. این میراث مدام در حال بازآفرینی، حرکت و استمرار است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. میراث ناملموس به دو شکل دستاوردهای مادی منقول و نامنقول به یادگار مانده از پیشینیان<sup>۱</sup> است و آفرینش‌های معنوی و روایی را شامل می‌شود. برخی از این آثار در زندگی امروز بدون استفاده و کارکرد هستند و فقط وجه موزه‌ای و بازدیدگردشگری دارند اما برخی دیگر هنوز کاربردهای پیشین خود را حفظ کرده و همچنان در حیات امروز به کار می‌روند. قنات‌ها، مسجدها و برخی پل‌های تاریخی از این جمله‌اند.

همه این آثار، چه از حیث مصالح و چه از نظر انطباق با شرایط و محدودیت‌های طبیعی، متأثر از اقلیم محل ساخت بوده و به نوعی بر محیط پیرامون نیز اثر گذاشته‌اند. به همین دلیل، بخشی از سیمای طبیعت به نظر می‌رسند. طبعاً هر یک از این دستاوردهای مادی، زمینه‌ای معنوی مختص به خود دارند؛ حکایت و روایتی که موجب خلق این اثر شده و پیشینه‌ای تاریخی که موجب ماندگاری آن تا امروز شده است. این وجه غیرمادی زمینه فرهنگی هر کالبد مادی است که پشتوانه و یا مبدأ پیدایش آن اثر بوده است. همین زمینه و پشتوانه، تأثیر مهمی نیز در حفظ اثر توسط نسل‌های پیاپی بشری در برابر همه عوامل زوال انسانی و طبیعی در طول تاریخ داشته است. میراث ناملموس در این مفهوم شامل فرایندها، مهارت‌ها، اندیشه‌ها و باورها و یارویدادهایی است که سبب خلق اثری ملموس شده و با تداوم خود، انگیزه‌ای برای حفظ اثر بوده است.

با این رویکرد، اهمیت این زمینه غیرمادی به مراتب بیشتر از خود اثر مادی است. به واسطه همین روح زنده و پویاست که کالبد‌های مادی میراث فرهنگی هرگز نمی‌میرند زیرا تا زمانی که جوامع انسانی باقی است و در تعامل با طبیعت، زیست می‌کنند و تا زمانی که این جوامع به باورها، اندیشه‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و همه دستاوردهای فرهنگی و ریشه‌های هویتی خود که موجد خلق و بقای اثر شده، پایبند و متصل‌اند، زمینه معنوی میراث نیز در کالبد مادی جریان خواهد داشت و حتی با زوال اثر مادی نیز از میان نخواهد رفت.<sup>۲</sup> میراث ناملموس مستقل از میراث ملموس نیز متجلی می‌شود. آداب، رسوم، سنت‌ها، آیین‌ها، جشن‌ها، مراسم عزاداری آیینی، زبان‌ها،

۱. مانند یادمان‌ها، تک‌بناها و یا مجموعه بناهای به هم پیوسته.

۲. امروزه اثری از تکیه دولت - که محل برگزاری مراسم شکوهمند تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایام محرم در تهران عهد قاجار بود، برجای نمانده است، اما زمینه معنوی این فضای فرهنگی ارزشمند، یعنی برگزاری مراسم عزاداری در ایام عاشورا همچون روحی زنده در جامعه ایرانی همچنان ساری و جاری است و اتفاقاً به واسطه این روح زنده، نام تکیه دولت همچنان در یادها زنده است و از این نظر، خود بخشی از میراث فرهنگی ناملموس ایران است.

گوشی‌ها، دانش‌ها، فنون، مهارت‌ها، هنرهای سنتی، بیان‌های موسیقایی و نمایشی و مظاهر فرهنگ عامه و غیره از این جمله‌اند. طبعاً تازمانی که مردمان جامعه به ریشه‌های هویتی و تاریخ تمدنی و فرهنگی خود متصل‌اند، میراث فرهنگی ناملموس نیز هم‌پای جامعه حیات و قوام دارد و خود به خود به نسل آینده منتقل می‌شود. بدین ترتیب، روشن است که بقا و دوام این میراث مردمی و خودجوش، دست کم در دوران پیشین، مستقیماً وابسته مداخله عنصری به نام دولت نبوده است. هر چند به معنای عدم نقش آفرینی دولت‌ها در این خصوص نیست.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، متولی قانونی و حاکمیتی میراث فرهنگی است. با این حال، نظر به گستردگی و یابهنوعی فرابخشی بودن موضوع میراث ناملموس و ارتباط موضوعی آن با وظایف دستگاه‌های اجرایی مختلف، پشتیبانی از حرکت خودجوش و مردمی میراث ناملموس به‌طور کامل، منحصر به این وزارت نیست و مستلزم مشارکت همه نهادهای مرتبط است. نکته قابل توجه دیگر، ارتباط موضوعی میراث ناملموس با مبحث هم‌بستگی اجتماعی، وحدت ملی و امنیت ملی است. برخلاف میراث مادی که در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور جای دارد و از این نظر قابل نظارت و کنترل دولت است، اعمال حاکمیت بر میراث ناملموس به دلیل وجه غیرمادی آن، می‌تواند مرزها را درنوردیده و به حوزه روابط بین‌الملل گسترش یابد. از این نظر حساسیت بیشتری بر آن حاکم است و بنابراین تدابیر صیانت جدی تری را با در نظر گرفتن ملاحظه‌های سیاست خارجی کشور می‌طلبد. اهمیت این امر زمانی بارزتر می‌شود که چالش‌ها و تهدیدهای میراث فرهنگی در عرصه بین‌المللی و داخلی مورد توجه قرار گیرد. از جمله این تهدیدها در عرصه خارجی عبارت‌اند از پدیده جهانی شدن و تهدید تنوع فرهنگی، همچنین رقابت و منفعت‌طلبی کشورهای همسایه در کسب هویت فرهنگی و تاریخی از قبیل تصرف و غصب دارایی‌های فرهنگی ایران به نام خود با هدف مطامع ملی.<sup>۱</sup> برای جلوگیری از تحریف مصادیق ثبت شده در فهرست‌های داخلی و یا بین‌المللی به شیوه‌های مختلف نیز اقدامی صورت نگرفته است. بدین منظور طیف گسترده‌ای از اقدامات از آگاه‌سازی عمومی نسبت به ارزش‌های میراث فرهنگی ناملموس و آموزش نسل جوان گرفته تا حمایت کیفری لازم است که صورت بگیرد اما وزارت مذکور اقدامی صورت نداده است.

با وجود همه این ضرورت‌ها، پشتیبانی دولتی از میراث ناملموس با خلأ جدی روبه‌روست. یکی از دلایل این کاستی، دنباله‌روی صرف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از مفاد کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو آن‌هم صرفاً در زمینه ثبت مصادیق است. هر چند ایران کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس را تصویب کرده، اما قانون مورد نظر برای صیانت کامل از میراث ناملموس، کافی نبوده و یا ناکارآمد است.

با این مقدمه، ادعای این گزارش آن است که قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس مصوب ۱۳۸۴ کفایت لازم را ندارد و برای پشتیبانی از صیانت میراث ناملموس ایران، نیاز به وضع یک قانون مکمل است؛ قانونی که شیوه‌ها و حمایت‌های مربوط به صیانت از میراث ناملموس ایران براساس شرایط و ضرورت‌های داخلی و نه صرفاً دنباله‌روی محض از مفاد کنوانسیون را پیش‌بینی کند. همچنین نقش و وظیفه نهادهای اجرایی مرتبط به‌ویژه وزارت مذکور را مشخص نماید.

۱. تلاش کشورهای عربی منطقه در خصوص تغییر نام کهن و اصیل خلیج فارس و به‌کارگیری نام معجول از جمله این تهدیدهاست. آنها در تلاش‌اند با تحریف تاریخ غنی ایران و خلیج فارس، مطامع ارضی امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی را تأمین کنند. همچنین اقدام‌های به‌ظاهر فرهنگی اما تحریک‌آمیز آذربایجان و ترکیه در تحریف هویت ایرانی با هدف ایجاد اختلال در وحدت ملی و تجزیه ایران از دیگر تهدیدهای امنیت ملی ایران به‌واسطه میراث ناملموس است.



## ۲. زمینه بین‌المللی در خصوص میراث ناملموس



تامیانه قرن بیستم، میراث فرهنگی را عمدتاً کالبدی‌های مادی به یادگار مانده از گذشتگان می‌دانستند؛ یادمان‌ها، بناها، محوطه‌های باستان‌شناسی، اشیای دست‌ساز عتیقه مانند آثار نقاشی، ظروف، مجسمه‌ها و کتیبه‌های به یادگار مانده از تمدن‌های کهن؛ آثاری مادی و قابل لمس که گذشته‌های دور و نزدیک را به بشر امروز می‌نمایانند و یا به عبارتی انسان امروز را به گذشته‌های دور پیوند می‌دهند. رویکرد بین‌المللی نسبت به میراث فرهنگی تا دهه‌های پایانی قرن بیستم، عمدتاً معطوف به حمایت از انواع و اشکال گوناگون میراث فرهنگی مادی و یا اصطلاحاً میراث فرهنگی ملموس بود. این موضوع در نخستین کنوانسیون‌های مصوب قرن بیستم تا کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

پس از اتخاذ کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲، یونسکو موضوع قاعده‌گذاری در زمینه بعد غیر مادی میراث فرهنگی (که آن زمان فولکلور نامیده می‌شد) را نیز آغاز کرد. در پی مجموعه‌ای از اقدامات، نشست‌های بین‌المللی و همکاری‌های مشترک یونسکو و سازمان جهانی مالکیت فکری - وایپو و همچنین اتخاذ «توصیه‌نامه صیانت از فرهنگ سنتی و فولکلور ۱۹۸۹» و «برنامه شاهکارهای میراث شفاهی و ناملموس بشریت، ۲۰۰۱» سرانجام کنوانسیون حراست از میراث ناملموس در سال ۲۰۰۳ به تصویب یونسکو رسید. موضوع این کنوانسیون، مشخصاً صیانت یا پاسداری از میراث ناملموس است که با هدف تضمین دوام میراث فرهنگی ناملموس صورت می‌گیرد. از جمله این اقدام‌ها عبارت‌اند از: «شناسایی، مستندسازی، تحقیق، حفظ، حمایت، ترویج، ارتقا، انتقال به‌ویژه از طریق آموزش رسمی و غیررسمی و نیز احیای جنبه‌های مختلف این میراث».

این معاهده نیز مانند کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲، نظام ثبت را به‌عنوان زمینه اصلی و یا مقدمه‌ای برای صیانت از مصادیق برگزیده. این معاهده به کشورهای عضو پیشنهاد کرد مصادیق میراث ناملموس خود را «با هدف تضمین حراست به شیوه‌ای منطبق با وضعیت خود» در فهرست‌های داخلی ثبت کنند. قید عبارت «به شیوه‌ای منطبق با وضعیت خود» بدین معناست که ثبت، پیشنهاد کنوانسیون بوده، اما اصل مسلم آن است که فرایند ثبت، مبتنی بر شرایط و وضعیت داخلی مختص هر کشور باشد. در سطح جهانی نیز کنوانسیون دو «فهرست نمونه (یا معرف) میراث فرهنگی ناملموس بشریت» و «فهرست میراث فرهنگی ناملموس نیازمند حراست فوری» را به‌عنوان یکی از مراحل مهم صیانت از میراث فرهنگی ناملموس پیشنهاد کرد تا مصادیق‌های میراث فرهنگی ناملموس پیشنهادی از جانب دولت‌های عضو را در این فهرست‌ها به ثبت برسانند. به‌هر حال، این نظام ثبت ایجاد شده صرفاً زمینه و مقدمه‌ای برای معرفی و اقدام‌های آتی صیانت از مصادیق ثبت شده است.

بعدها یونسکو، حاملان میراث ناملموس را نیز تحت عنوان «گنجینه‌های زنده بشری»<sup>۱</sup> به این حوزه افزود و ثبت و حمایت از آنها را نیز به دولت‌های عضو پیشنهاد داد. با این حال، به‌جز ثبت، اقدامات دیگری هم برای صیانت و حفظ آثار لازم است. مهم‌تر از همه این عوامل، رویکرد کنوانسیون نسبت به اهمیت و جایگاه جوامع سنتی و محلی - و حتی در مواردی افراد - در پیدایش، پویایی و انتقال نسل به‌نسل میراث فرهنگی ناملموس است. از نگاه این معاهده، میراث فرهنگی ناملموس در بطن این جوامع، پدیدار شده و در طول تاریخ به رشد و تکامل رسیده است. بنابراین، مجریان اصلی پاسداری از میراث ناملموس، همین جوامع سنتی و محلی هستند. بنابراین، کنوانسیون، معاهده‌ای جامعه‌محور است و با اینکه حق حاکمیت کشورها را تأیید می‌کند، اما نقش دولت‌ها را حمایت و پشتیبانی از حقوق این جوامع به‌عنوان بستر میراث فرهنگی ناملموس در نظر می‌گیرد. بنابراین، پیشنهاد اصلی کنوانسیون برای صیانت از میراث فرهنگی ناملموس، پشتیبانی دولت‌ها از ایفای نقش مستقیم جوامع محلی و سنتی ذی‌نفع در حراست از میراث فرهنگی ناملموس آنهاست.

۱. کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، تخریب، تاراج، غارت یا مصادره آثار هنری و سایر اقسام اموال فرهنگی عمومی یا خصوصی در جریان درگیری مسلحانه را تقبیح کردند و بدین ترتیب، برای نخستین بار حفظ اموال فرهنگی نیز همچون جان و مال انسان‌ها در زمان درگیری و جنگ، تبدیل به ارزش و یا عرف بین‌المللی شد. پس از آن در سال ۱۹۵۴ نخستین کنوانسیون یونسکو با موضوع حفاظت از «اموال فرهنگی» در زمان درگیری مسلحانه تصویب شد و در سال ۱۹۷۰ کنوانسیون دوم یونسکو درباره ممنوعیت انتقال مالکیت، صدور و ورود غیرقانونی اموال فرهنگی (منقول) کشورها اتخاذ شد. در سال ۱۹۷۲ چهارمین معاهده الزام‌آور یونسکو یعنی کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و میراث طبیعی جهان اتخاذ شد. بدین ترتیب، همه کنوانسیون‌های یونسکو تا سال ۱۹۷۲، بخش مادی میراث فرهنگی را پوشش داده‌اند.

### ۳. رویکرد سایر کشورها با میراث ناملموس



عمده کشورهای جهان به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس پیوسته‌اند.<sup>۲</sup> این گسترده‌گی کشورهای عضو با توجه به تعداد کل کشورهای جهان، نمایانگر حرکت هم‌سو و هماهنگ جهانی در زمینه حراست از میراث فرهنگی ناملموس است. با این حال، موضوع میراث ناملموس، محدود و مختص به این معاهده نیست بلکه زمینه پیدایش، پویایی و انتقال نسل به نسل آن هزاران سال پیش از این در همه تمدن‌های جهان - تا عصر امروز - وجود داشته است. تنها ابتکار عمل کنوانسیون آن بود که با پایه‌گذاری یک نظام جهانی ثبت داخلی و بین‌المللی، سبب معرفی مصادیق میراث ناملموس کشورها به همه مردم جهان شد.

در سطح داخلی نیز برخی کشورها پیش از الحاق به این معاهده، اقدام‌های قانونی در زمینه صیانت از میراث فرهنگی را انجام داده‌اند. اهمیت میراث فرهنگی در هر دو بُعد ملموس و غیرملموس در برخی کشورها تا حدی است که جایگاه آن را در قانون اساسی خود در نظر گرفته‌اند. از جمله این کشورها برزیل است. اصل (۲۱۵) قانون اساسی این کشور، دولت را موظف به تضمین اعمال حقوق فرهنگی مردم دانسته و تقویت قدردانی از بیان‌های فرهنگی، به‌عنوان بخش مهمی از میراث ناملموس، دانسته است. بندها و جزءهای این اصل، ابعاد مختلف حمایت از میراث فرهنگی این کشور را تشریح کرده که «دمکراتیزه کردن دسترسی به کالاهای فرهنگی» و «قدردانی از ارزش تنوع قومی و منطقه‌ای» از جمله آنهاست. اصل (۲۱۶) این قانون اساسی، هر دو نوع دارایی‌های ملموس و غیرملموس را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی برزیل در نظر می‌گیرد.

برخلاف برزیل، قانون اساسی کشور هند به‌طور مستقیم به موضوع میراث فرهنگی ناملموس این کشور اشاره‌ای نکرده، اما در اصل (۲۹) این قانون، حمایت از فرهنگ اقلیت‌ها به‌عنوان یک «حق بنیادین» به رسمیت شناخته شده است و همه کسانی که زبان، خط و فرهنگ مختص به خود دارند مجاز به حفظ آن هستند.<sup>۳</sup> طبق یکی از اصول این قانون، همه شهروندان هند موظف‌اند میراث غنی این کشور را قدر نهاده و حفظ کنند. بدین ترتیب، در هند، مسئولیت عمومی نسبت به ارزش و حفظ میراث فرهنگی، اهمیت بسیار زیادی دارد، به طوری که در قانون مادر - قانون اساسی این کشور - پیش‌بینی شده است.

در کشور استرالیا حمایت از محیط زیست و میراث فرهنگی در چارچوب قانونی واحد پیش‌بینی شده و به‌طور تلفیقی مدیریت می‌شود. قانون حمایت از محیط زیست و حفاظت از تنوع زیستی ۱۹۹۹، ابتدا حق بومیان بر زمین و منابع طبیعی را به رسمیت شناخت و سپس مدیریت مشترک منابع طبیعی را - که بومیان وابستگی هزاران ساله به آن دارند - از سوی بومیان مالک زمین و دولت براساس چند مدل مختلف مجاز دانست. بدین ترتیب، مدیریت بخش‌هایی از سرزمین‌های استرالیا طبق این قانون به بومیان اولیه سپرده شده است.

برخی کشورها عمدتاً به‌واسطه حمایت از حقوق مالکیت معنوی ذی‌نفعان، از میراث ناملموس حمایت می‌کنند. این شیوه، حتی پیش از اتخاذ کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو نیز در قوانین ملی بیشتر کشورها پیش‌بینی شده بود. از جمله این کشورها ژاپن است و حتی اندیشه حمایت از گنجینه‌های زنده بشری از این کشور نشئت می‌گیرد. ژاپن در سال ۱۹۵۰، روندی را آغاز کرد که طی آن افراد یا گروه‌هایی که حامل ارزش‌های فرهنگی و میراث ناملموس ملی بودند همانند ثروت‌های معنوی کشور قلمداد شدند و مورد حمایت ویژه قرار گرفتند. با این رویکرد، دولت

#### 1. Living Human Treasures.

گنجینه‌های زنده بشری که مفاخر حامل میراث ناملموس نیز نامیده می‌شوند به استادکاران و حاملان مصادیق مختلف میراث فرهنگی ناملموس گفته می‌شود که لازم است با حمایت از ایشان، دانش و مهارت‌های آنها به نسل جوان منتقل شود تا از این طریق این میراث ارزشمند حفظ شود. نوازندگان موسیقی نواحی ایران، هنرمندان صنایع دستی و استادکاران دانش سنتی قنات از این جمله‌اند.

۲. معاهده مورد نظر ۱۸۳ کشور عضو دارد که جمهوری اسلامی ایران نیز از آن جمله است. نک:

<https://www.unesco.org/en/legal-affairs/convention-safeguarding-intangible-cultural-heritage#item-2>.

۳. گفتنی است در این سطح از تحلیل می‌توان به اصل (۱۵) قانون اساسی کشور اشاره کرد که به زبان مادری و خط رسمی و مشترک مردم ایران اشاره کرده و اسناد، مکاتبات، متون رسمی و کتب درسی را مبتنی بر این زبان و خط دانسته است. هرچند استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.



این کشور برخی هنرهای سنتی مانند سفالگری، عروسک‌سازی و شمشیرسازی و یا موسیقی را مورد حمایت قرار داد. به دنبال اقدامات ژاپن، کشورهای چوون استرالیا، فرانسه، فیلیپین، رومانی، کره جنوبی و تایلند نیز برنامه‌های ملی برای حمایت از گنجینه‌های ناملموس ملی خود اتخاذ و اجرا کردند.

چند دهه پس از ابتکار ژاپن، یونسکو نیز با هدف ارتقای جایگاه میراث فرهنگی ناملموس و افزایش درک و ارزش‌گذاری اهمیت این میراث در سطح بین‌المللی، در سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰ «برنامه فرعی میراث فرهنگی ناملموس» را ابداع و واحد میراث فرهنگی ناملموس را تأسیس کرد. این اقدامات در سال ۱۹۹۳ به ابداع برنامه گنجینه‌های زنده بشری از سوی یونسکو انجامید.

## ۴. زمینه میراث فرهنگی ناملموس در کشور

**قانون الحاق ایران به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس** [۱] یونسکو در سال ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اما پیش از این قانون نیز زمینه توجه به این بخش مهم میراث فرهنگی در قوانین قبلی ایران وجود داشت.

■ **قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان** مصوب ۱۳۴۸ در بند «۱۰» ماده (۲)، به دو عنوان «فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی» اشاره کرده است. طبق بندهای «۹» و «۱۰» این قانون، «اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم» و «اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد» مورد حمایت این قانون است. شایان توجه است که این قانون قریب به دو دهه پیش از تصویب قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۴ [۲] و تصویب قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۷، عنوان «میراث فرهنگی» به جای «آثار ملی»، مورد اشاره در قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ را به کار برد که این اقدام تقریباً هم‌زمان با حرکت جهانی در زمینه کاربرد عبارت «میراث فرهنگی» به جای «اموال فرهنگی» بود و اصطلاح میراث فرهنگی در قانون ایران نیز به کار گرفته شد.<sup>۱</sup> بدین ترتیب می‌توان مدعی شد که بخشی از تحول مفهومی در زمینه میراث فرهنگی و شمول بخش غیرمادی میراث فرهنگی یا به عبارت امروز، میراث فرهنگی ناملموس، توسط قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان صورت گرفته بود.

ذکر این نکته نیز ضروری است که این قانون مربوط به حمایت از حقوق مالکیت معنوی مؤلفان و مصنفان و هنرمندان است که به نوعی با موضوع حقوق مالکیت معنوی هنرمندان هنرهای سنتی و صنایع دستی - به عنوان بخش مهمی از میراث فرهنگی ناملموس - ارتباط دارد. بنابراین از این نظر نیز قانون نام‌برده بخشی از موضوع میراث فرهنگی ناملموس را پوشش داده است.

■ **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** اگر چه به طور مستقیم به موضوع میراث فرهنگی ناملموس اشاره نکرده است اما به نظر می‌رسد نشانه‌هایی از تأیید میراث ناملموس در مقدمه و اصول مربوط به حقوق فرهنگی، در این قانون مهم وجود دارد.

مقدمه قانون اساسی در جمله آغازین خود، قانون اساسی را مبین برخی نهادها از جمله نهادهای فرهنگی معرفی کرده که البته میراث فرهنگی در هر دو بُعد مادی و غیرمادی آن نیز بخش مهمی از نهادهای فرهنگی جامعه ایران است. طبق بند «۸» اصل (۳)، دولت موظف است زمینه مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت فرهنگی ایشان را فراهم آورد. بند «۴» همین اصل نیز تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌ها از جمله زمینه فرهنگی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان را مورد اشاره قرار داده است. همچنین اصل (۲۰) نیز به طور مستقیم به حقوق فرهنگی همه ملت با رعایت موازین اسلام اشاره کرده است. اصل (۱۵) به موضوع زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور و آزادی استفاده از زبان‌های قومی و محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات اقوام در مدارس در کنار زبان فارسی اشاره کرده که موضوع زبان و گویش به طور مستقیم بخش مهمی از میراث ناملموس است.

۱. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه از عبارت «اموال فرهنگی» بهره برد و در کنوانسیون ۱۹۷۰، دو ماه پیش از تصویب قانون ۱۳۴۸، برای نخستین بار عبارت میراث فرهنگی به کار گرفته شد.  
۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است.»

**■ ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴،** «انجام پژوهش‌های مردم‌شناسی و هنرهای سنتی» را یکی از دلایل تشکیل سازمان نام‌برده قید کرده است. این قانون با ادغام یازده واحد اداری که از قبل موجود بوده، اجازه تشکیل سازمان مذکور را صادر کرده که از جمله این واحدها «اداره کل هنرهای سنتی» و «مرکز موزه مردم‌شناسی» بوده‌اند. امروزه دو موضوع هنرهای سنتی و مردم‌شناسی، ذیل عنوان کلی «میراث فرهنگی ناملموس» قرار دارند. بر این اساس وجود دو اداره مذکور قبل از تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مؤید این واقعیت است که چندین دهه پیش از تصویب کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس در عرصه جهانی، در کشور ایران در زمینه موضوع‌هایی که امروز میراث فرهنگی ناملموس خوانده می‌شود، اقدام‌های اجرایی و پژوهشی صورت می‌گرفته است که تأسیس موزه‌های مردم‌شناسی در سراسر نقاط کشور از این جمله‌اند.<sup>۱</sup>

**■ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷** نیز طی تعریف جامعی، میراث فرهنگی ناملموس را نیز - بدون اشاره مستقیم - تحت پوشش این قانون قرار داد.<sup>۲</sup> طبق این تعریف، میراث فرهنگی، به‌طور کلی و بدون اشاره به مادی یا غیرمادی بودن آن، یادگار گذشته و موجب شناخت و پیوند با هویت و خط فرهنگی انسان طی تاریخ است و از این طریق زمینه عبرت را برای او فراهم می‌کند.<sup>۳</sup> پرواضح است که میراث فرهنگی ناملموس نیز همچون میراث فرهنگی مادی، یادگار گذشته و همچنین زمینه‌ساز آموختن و عبرت گرفتن از آموزه‌های تاریخی است، بنابراین مشمول این تعریف می‌باشد. افزون بر این، قانون اساسنامه در بند «۴» ماده (۳) به‌طور مستقیم به چند مورد از زمینه‌های مرتبط با حوزه میراث ناملموس یعنی «مردم‌نگاری، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی زیستی، هنرهای سنتی و فرهنگ بومی مناطق مختلف کشور» اشاره کرده است. در رویه اجرایی سازمان میراث فرهنگی کشور تا وزارت فعلی، پژوهشکده‌های مردم‌شناسی، هنرهای سنتی، زبان و کتیبه‌ها به امر پژوهش در زمینه این بخش‌های مهم حوزه میراث ناملموس پرداخته‌اند.

**■ قانون الحاق ایران به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس در سال ۱۳۸۴** به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. با وجود زمینه قبلی درباره موضوع میراث ناملموس در قوانین ایران، قانون مذکور تحول جدیدی در این عرصه ایجاد کرد زیرا این قانون مشخصاً راجع به حوزه میراث ناملموس است. با وضع این قانون برای نخستین بار عبارت میراث ناملموس وارد فرهنگ واژگان میراث فرهنگی کشور شد و نسبت به زمان تصویب، تعریف جامعی در خصوص این مفهوم ارائه و مظاهر آن در پنج طبقه مشخص شد.

۱. از جمله قدیمی‌ترین موزه‌های مردم‌شناسی ایران، موزه‌ای است که در سال ۴۱۳۱ در تهران تأسیس شده و در حال حاضر در کاخ گلستان قرار دارد.

۲. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۷۶۳۱، ماده (۱) - تعریف: «میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ می‌باشد و با شناسایی آن، زمینه شناخت هویت و خط حرکت فرهنگی او میسر می‌گردد و از این طریق زمینه‌های عبرت برای انسان فراهم می‌آید».

۳. مفهوم عبرت گرفتن انسان‌های حاضر از واقعیات تاریخی برگرفته از آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن مجید هم هست که از جمله می‌توان به آیات شریفه «قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین، هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین» (سوره آل عمران، آیات ۱۳۷ و ۱۳۸) و «قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (سوره انعام، آیه ۱۱) اشاره کرد. این آیات شریفه، انسان‌ها را به گردش در زمین دعوت می‌کنند تا با مشاهده آنچه از پیشینیان به‌جای مانده است از سرنوشت نیاکان آگاه شوند و عبرت گیرند. با قبول این نگرش، گویا مشیت الهی بر نگهداشت بقایای تاریخی بوده است تا مردم قادر به مشاهده تاریخ و پند گرفتن از آن باشند.



## ۵. منافع پرداختن به میراث ناملموس



### ۵-۱. جایگاه میراث فرهنگی ناملموس در تقویت هویت و هم‌بستگی ملی و فراملی

میراث فرهنگی ناملموس ایران، ارتباط ایرانیان مقیم در سایر کشورهای جهان را نیز با سرزمین مادری و ریشه‌های هویتی و فرهنگی خود حفظ کرده و ایشان را از تهدید قطع ارتباط آنها با هویت فرهنگی و خطر جذب در فرهنگ سرزمین‌هایی که در آنها اقامت دارند، مصون می‌دارد. متقابلاً اعمال این میراث ارزشمند در سایر کشورهای جهان توسط ایرانیان مقیم، سهم ارزشمندی در معرفی فرهنگی و هویت ایرانی داشته و به عبارتی پیام‌رسان صلح، دوستی و تعامل فرهنگی ایرانیان به مردم سایر نقاط جهان است. از این رهگذر میراث ناملموس، ظرفیت و فرصتی است که در صورت شناسایی و توجه به همه ابعاد آن می‌تواند در تأمین اهداف سیاست خارجی ایران از حیث جلب هم‌گرایی میان کشورهای حوزه ایران فرهنگی، مقابله با تبعات ایران‌هراسی و تنظیم معادلات بین‌المللی به نفع منافع ملی ایران در سطح بین‌المللی نیز مؤثر باشد.<sup>۱</sup>

### ۵-۲. نقش میراث فرهنگی ناملموس در تأمین امنیت و منافع ملی

هم‌بستگی قومی ایران در عرصه حیات سیاسی کشور ایران نیز تأثیرگذار است. اقوام ایرانی همواره و در ادوار تاریخی گوناگون با تهدیدها و تهاجم‌های بیگانگان، مقابله نموده و از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کرده‌اند.<sup>۲</sup> در حال حاضر کشور ایران با وجود اقوام و جوامع گوناگون فرهنگی، دارای نظام حکومتی متمرکز بوده و مدیریت سیاسی واحد دارد. در این شرایط، تعامل میان فرهنگی و هم‌بستگی قومی و ملی تأثیر بسزایی در تقویت وحدت ملی کشور دارد. اهمیت این موضوع زمانی عیان‌تر می‌شود که تهدیدها و حمله‌های فرهنگی بیگانگان با اهداف و مطامع نفع‌طلبانه نسبت به هویت فرهنگی ایران و تمامیت فرهنگی و ارضی کشور در نظر گرفته شود. مردم ایران با توجه به پیوندهایی غنی که با فرهنگ و هویت ایرانی خویش دارند، ضمن تعامل فرهنگی با بیگانگان در برابر حمله‌های ایران‌ستیزانه ایستاده‌اند و هنوز نیز این رویه غیورانه را دارند.<sup>۳</sup> این ویژگی خود بخشی از میراث ناملموس ایران است.

### ۵-۳. نقش میراث فرهنگی ناملموس در پیشرفت و توسعه

میراث فرهنگی ناملموس را میراث زنده می‌نامند زیرا در حیات امروز جامعه نیز جریان داشته و همانند جوامع انسانی زنده، پویا، بالنده و قابل بازآفرینی است.

به طوری که پیشتر تشریح شد، این نوع میراث در تعامل با تاریخ و طبیعت پدید آمده و در طول زمان تداوم یافته است. جوامع سنتی و محلی، نیازهای معیشتی خود را با استفاده از منابع و ذخایر طبیعی برطرف کرده و برای استفاده مداوم از این ذخایر در حفظ آنها کوشیده‌اند. این برداشت و تلاش مداوم، به پیدایش مهارت‌ها، فنون، فوت و فن، و دانش سنتی انجامیده است که این جوامع را در استحصال منابع طبیعی برای رفع نیازهای معیشتی ایشان و در عین حال حفظ این منابع یاری داده است. از جمله این موارد عبارت‌اند از: دانش و فنون سنتی مدیریت آب و ایجاد قنات در مناطق کویری، بهره‌برداری بهینه از رودخانه‌ها و تالاب‌ها و جنگل‌ها، کشاورزی سنتی، شناخت و بهره‌برداری از گیاهان و طب سنتی، استفاده از انرژی باد و آب در آسیاب‌ها و آسیاب‌ها، معماری سنتی و ساخت خانه‌های ایرانی با مؤلفه‌های فرهنگی و دینی ضمن سازگاری با شرایط اقلیمی، پرورش گیاهان و باغ‌های ایرانی در مناطق خشک کویری، حفظ ذخایر طبیعی و گیاهی توسط عشایر کوچ‌نشین و بسیاری موارد دیگر. بدین ترتیب بخش مهمی از میراث فرهنگی ناملموس ایران، مربوط به دانش سنتی و شیوه‌های گوناگون مرتبط با

۱. ارتباط موضوعی میراث ناملموس با هم‌بستگی ملی در جزء «۴» بند «۴۴» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه به این شرح قابل مشاهده است: «تقویت زیرساخت‌های انسجام و هم‌بستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی».

۲. رشادت‌ها و جانفشانی‌های مردم بختیاری، تبریز آذربایجان و گیلان در کنار مردم تهران در جریان مبارزه با استبداد قاجار و پیروزی جنبش مشروطیت، شاهدی گویا و معاصر بر این مدعا است.

۳. به عنوان نمونه می‌توان به مطالبه‌گری اخیر سازمان‌های مردم‌نهاد ایران نسبت به حمایت اتحادیه اروپا از ادعاهای واهی و غیرقانونی امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی اشاره کرد.

طبیعت و کیهان است که همه این مهارت‌ها اگرچه امروزه به دلیل تغییر الگوی زندگی شهری و صنعتی، کم‌رنگ شده‌اند اما در صورت احیا و کاربردی‌سازی در حیات مدرن، نقش بسیار مهمی در پیشرفت ایران ایفا خواهند کرد.

## ۶. چالش‌های مرتبط با میراث ناملموس

### ۶-۱. عدم کفایت ثبت محوری

موضوع ثبت به‌عنوان مقدمه‌ای بر حفاظت، نه تنها در دو کنوانسیون بین‌المللی یونسکو، ۱۹۷۲ و ۲۰۰۳ پیش‌بینی شده است، بلکه مورد تأیید قوانین ایران در زمینه میراث فرهنگی ملموس نیز هست.<sup>۱</sup> سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری (وزارت فعلی) نیز با پیروی از این عزم قانونگذاری، بلافاصله پس از تصویب قانون مورد نظر، فرایند شناسایی و ثبت ملی و بین‌المللی مصداق‌های میراث فرهنگی ناملموس ایران را آغاز کرد. اهتمام وزارت مذکور در این زمینه، تاکنون به ثبت ۲۴ مصداق در فهرست‌های بین‌المللی یونسکو انجامیده که این خود دستاوردی بسیار ارزشمند برای ایران است. اما اقدامات وزارت عمدتاً در زمینه ثبت متمرکز است. در حالی که روشن است که به دلیل نبود قانون داخلی ناظر بر این موضوع، اقدام دیگری در راستای صیانت و معرفی، انجام نشده است. در حالی که در خصوص میراث ناملموس نیز همچون حوزه میراث ملموس و میراث طبیعی، ثبت به‌تنهایی مؤثر و کافی نیست بلکه این اقدام، تنها نقطه آغاز فرایند صیانت و اتخاذ برنامه‌های اجرایی پاسداری از آثار ثبت شده در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی است [۳].<sup>۲</sup>

ثبت میراث ناملموس در فهرست‌های داخلی و یا بین‌المللی، عملاً و فعلاً جنبه نمادین داشته و فاقد پشتوانه حقوقی و کیفی برای صیانت از آنها در برابر عوامل تحریف، سرقت و یا سوءاستفاده با اهداف سودجویانه است.

به‌علاوه، هیچ ساختار حمایتی از مصداق ثبت شده از سوی نهادهای اجرایی و دولتی در مورد رعایت حفظ و صیانت از این مصداق پیش‌بینی نشده است. گاه اقدامات اجرایی سایر دستگاه‌ها در مغایرت با لزوم حفظ و صیانت از مصداق ثبت شده قرار می‌گیرند.<sup>۳</sup>

موضوع ناکافی بودن ثبت در خصوص گنجینه‌های زنده بشری (مفاخر حامل میراث ناملموس) یعنی استادکاران و صاحب‌نظران بنام حوزه میراث ناملموس ایران نیز صدق می‌کند و روش حمایت از این افراد و یا ایجاد زمینه‌هایی برای آموزش و انتقال دانش و هنر این افراد به نسل جوان از طریق مجاری رسمی مشخص نیست.

### ۶-۲. ناکافی بودن تکیه بر قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس

قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، اگرچه مفید است اما کافی نیست زیرا متن کنوانسیون را که صرفاً یک سند بین‌المللی با ماهیت توصیه‌ای به دولت‌هاست، عیناً تأیید کرده است. بدون آنکه شیوه اجرای کنوانسیون و رفع ابهام از موضوعاتی مثل نهاد متولی، زمینه همکاری و وظایف سایر دستگاه‌های اجرایی با این نهاد مجری یا شیوه‌های صیانت و نحوه تلفیق مصداق کاربردی میراث ناملموس با

۱. پیش از الحاق کشور به کنوانسیون‌های مورد نظر نیز نظام ثبت آثار فرهنگی تاریخی در ایران وجود داشته است.

۲. رک: گزارش ارائه بسته تقنینی جامع میراث طبیعی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دی ۱۴۰۲، ص ۸.

۳. به‌عنوان مثال با اینکه اثر جهانی «مهارت‌های سنتی ساخت لنج چوبی و دریانوردی در خلیج فارس» در فهرست معرف میراث فرهنگی ناملموس نیازمند صیانت فوری یونسکو ثبت شده است، «برنامه جایگزینی شناورهای دریایی سنتی با ظرفیت کمتر از (۵۰۰) تن (لنج تجاری)» مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ هیئت‌وزیران، در تناقض آشکار با لزوم صیانت فوری این اثر ارزشمند ایرانی است و در صورت اجرا، باعث نابودی سنت اصیل و ریشه‌دار دریانوردی با لنج چوبی در خلیج فارس خواهد شد. باید توجه داشت که ثبت «مهارت‌های سنتی ساخت لنج چوبی و دریانوردی در خلیج فارس» در یک فهرست بین‌المللی از دو منظر برای ایران اهمیت دارد: نخست معرفی این اثر در سطح جهانی و دوم اهمیت راهبردی (استراتژیک) ثبت نام «خلیج فارس» به‌واسطه اثر در یک نهاد بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد در شرایطی که عمده نهادهای بین‌المللی به تطمیع کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در اسناد بین‌المللی خود از نام مجعول استفاده می‌کنند و باعث تحریف نام خلیج فارس می‌شوند. کشورهای عربی منطقه تلاش وافر دارند تا نام تاریخی و اصیل خلیج فارس را با جایگزینی نام مجعول، تحریف کنند. این تحریف، عامل تقویتی برای تداوم ادعاهای ارضی راجع به جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس است. در چنین شرایطی، اصرار به جایگزینی لنج‌های چوبی با لنج‌های جدید که در نهایت موجب نابودی مهارت سنتی دریانوردی با لنج سنتی در خلیج فارس خواهد شد، نتیجه‌ای به‌جز خارج کردن مصداق مورد نظر از فهرست یونسکو و در نتیجه حذف نام خلیج فارس از یک فهرست بین‌المللی مهم ندارد. از این نظر نه تنها میراث فرهنگی ایران به‌واسطه مصوبه‌ای داخلی تهدید خواهد شد بلکه اهداف سیاست خارج در خصوص تمامیت ارضی ایران تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت.



برنامه‌های پیشرفت را مشخص کند. همچنین، در این قانون هیچ‌گونه پیش‌بینی‌ای برای ایجاد نظام حقوقی کامل و منسجم برای حمایت از آثار ایرانی ثبت شده در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی و همخوانی با فرهنگ کشور در نظر گرفته نشده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اشکال موجود، دنباله‌روی صرف از مفاد کنوانسیون است، در حالی که این معاهده صرفاً یک چارچوب کلی قابل استفاده برای همه کشورها با فرهنگ‌ها و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متفاوت است. با توجه به این تنوع شرایط، درست آن است که هر کشور عضو، توصیه‌های این معاهده را با شرایط و الزامات داخلی خود منطبق سازد. در توضیح این مطلب به عنوان نمونه می‌توان به طبقه‌بندی تعریف میراث ناملموس در ماده (۲) این معاهده اشاره کرد. در این تعریف پنج دسته کلی برای مظاهر میراث ناملموس تعیین شده است. در این ماده با ذکر عبارت «از جمله»، گسترش یا محدود کردن طبقات مذکور را به عهده هر کشور عضو می‌گذارد تا براساس الگوی فرهنگی مختص به خود این طبقات را بازتعریف کند.

صرف نظر از کلی بودن مفاد این معاهده، به نظر می‌رسد کنوانسیون ایرادهای اجرایی نیز دارد. به طوری که این معاهده در طول دو دهه پس از تصویب، در عمل از هدف اصلی خود که کمک به ایجاد تعامل فرهنگی میان ملت‌هاست، تا حدودی منحرف شده و یادست کم نتوانسته است از برخی جهات، این هدف را به خوبی محقق کند. مقدمه این معاهده، به «نقش ارزنده میراث فرهنگی ناملموس به عنوان یکی از عوامل نزدیک‌تر نمودن انسان‌ها به یکدیگر و تضمین تبادل و درک متقابل در میان آنها» اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> با این حال، رویه ثبت جهانی به جای کمک به ایجاد وفاق و همدلی میان کشورها از طریق میراث ناملموس، بعضاً به پیدایش رقابت و مناقشات میان دولت‌ها منجر شده است. مسابقه در خواست ثبت میراث ناملموس از جانب کشورها به جای تحقق هدف اصلی کنوانسیون در «نزدیک‌تر کردن انسان‌ها به یکدیگر و تضمین تبادل و درک متقابل در میان آنها»، در بسیاری موارد موجب نارضایتی و جریحه‌دار کردن احساسات و غرور ملی مردم می‌شود. از جمله مناقشات پدیدآمده میان کشورها بر سر ثبت میراث ناملموس و مفاخر ایشان به نام دیگر کشورها می‌توان به اعتراض جمهوری اسلامی ایران به یونسکو نسبت به ثبت چوگان به نام کشور آذربایجان [۴]، اعتراض آذربایجان به ثبت نان لواش به نام ارمنستان [۵]، اعتراض افغانستان به عدم ذکر نام این کشور در پرونده ثبت جهانی مینیاتور به نام ایران، ترکیه و ازبکستان [۶]، اعتراض ایران به پرونده خوش‌نویسی ترکیه اشاره کرد.

### ۳-۶. نبود ضمانت کیفری

در حوزه میراث فرهنگی ملموس، علاوه بر ثبت اموال فرهنگی تاریخی در فهرست آثار ملی، ضمانت کیفری لازم برای حفاظت از آثار ثبت شده نیز وجود دارد. قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ دولت را موظف به ثبت و حفاظت از آثار ملی کرد و در همین قانون انجام برخی عملیات که به تخریب آثار ثبت شده بینجامد، جرم‌انگاری شد. بعدها فصل نهم قانون مجازات اسلامی (در سال ۱۳۷۵) موضوع جرائم میراث فرهنگی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و جرم‌انگاری انجام شده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تکمیل شد. بدین ترتیب، بخش مادی میراث فرهنگی به خصوص به دلیل فصل نهم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، از حمایت اجرایی، حقوقی و کیفری نسبتاً قابل قبولی برخوردار است. اما در خصوص مصداق‌های میراث ناملموس ایران که در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی ثبت شده‌اند، هیچ‌گونه ضمانت کیفری پیش‌بینی نشده و از این نظر خلأ قانونی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل آن است که در زمان تدوین و تصویب فصل نهم قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ که مربوط به جرائم میراث فرهنگی است، هنوز مفهوم یا تعهدی به نام میراث فرهنگی ناملموس وجود نداشت. از این رو، با وجود تعریف جامع قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور از میراث فرهنگی، جرم‌انگاری لازم در خصوص میراث غیرمادی صورت نگرفت و فصل نهم قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم حوزه میراث فرهنگی ناملموس مسکوت مانده است. در نتیجه حوزه میراث ناملموس در مقایسه با بخش مادی میراث فرهنگی از ضمانت کیفری لازم برخوردار نیست.<sup>۲</sup>

۱. قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۲، مقدمه: «با توجه به نقش ارزنده میراث فرهنگی ناملموس به عنوان یکی از عوامل نزدیک‌تر نمودن انسان‌ها به یکدیگر و تضمین تبادل و درک متقابل در میان آنها...».

۲. یکی از دلایل مهم این کاستی آن است که در مقایسه با نزدیک به یک سده پیشینه حمایت حقوقی از میراث ملموس در ایران، قانونگذاری مربوط به میراث ناملموس کمتر از بیست سال سابقه دارد.

#### ۴-۶. لزوم حمایت از حقوق مالکیت معنوی ذی نفعان

با توجه به اینکه میراث ناملموس کالبد مادی ندارد، صیانت از آن با حفاظت از میراث مادی تفاوت بنیادین دارد. حفاظت از میراث ملموس مستلزم برخی عملیات اجرایی شامل حفظ، نگهداری و مرمت در مورد اثر و حریم آن است، اما برای صیانت از میراث ناملموس باید زمینه‌های پیدایش آن را مورد حمایت قرار داد. یکی از این حمایت‌ها، توجه به حقوق مالکیت معنوی ذی نفعان مصادیق میراث فرهنگی ناملموس است. از آنجا که هر اثر میراث ناملموس در بطن یک جامعه محلی و سنتی به وجود آمده و در طول زمان در همین بستر جامعه متحول شده و نسل به نسل منتقل شده، جامعه سنتی و محلی نسبت به این اثر ذی نفع و یا ذی حق است. بنابراین، شایسته است این ذی نفعان نسبت به اثر مورد نظر دارای حقوق مالکیت معنوی باشند و قانون از این حقوق در برابر هر گونه استفاده و سوءاستفاده و تحریف توسط غیر ذی نفعان حمایت کند. با پیروی از این رویکرد، پیش از این دو لایحه قانون حمایت از فرهنگ عامه، و قانون حمایت از دانش سنتی قبلاً از سوی وزارت دادگستری با همکاری نمایندگان دستگاه‌های ذی ربط از جمله سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (وزارت فعلی) تدوین شد.<sup>۱</sup> هدف از این اقدام، ایجاد چارچوب‌های حمایت مالکیت معنوی از دارندگان و ذی حقان فولکلور و دانش سنتی و نیز آثار اشتقاقی تولید شده مبتنی بر این دو بخش مهم میراث فرهنگی ناملموس بود. بدین ترتیب، این دو لایحه فقط بخشی از حوزه صیانت از میراث فرهنگی ناملموس را از منظر دفاع از حقوق مالکیت فکری ذی حقان تحت پوشش قرار می‌داد.

#### ۵-۶. لزوم اقدامات تقنینی و سیاستگذاری اصلاحی

میراث ناملموس طبق روال تاریخی، به‌طور سنتی به حیات خود ادامه می‌دهد. تمرکز وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی بر ثبت مصادیق در فهرست‌های داخلی و بین‌المللی، این شبهه را تقویت می‌کند که وظیفه این نهاد با انجام ثبت و گنجینه‌های زنده بشری (مفاخر حامل میراث ناملموس) به پایان رسیده است. در حالی که اقدامات صیانت پس از ثبت نیز لازم است و باید با شناسایی و شناخت همه ابعاد و ضرورت‌های مربوط به پاسداری همه‌جانبه از میراث ناملموس ایران و حمایت از حقوق مادی و معنوی ذی نفعان، یک نظام کلی صیانت ایجاد شود که ثبت فقط بخشی از آن است. پیش‌تر تأکید شد که امور صیانت محدود به ثبت نیست و اقداماتی چون کمک به آموزش عمومی، کمک به تأسیس مؤسسه‌های مستندسازی میراث فرهنگی ناملموس و تسهیل دسترسی به آنها ضمانت کیفری و حمایت از حقوق مالکیت معنوی دارندگان تا و غیره قابل انجام است که باید با توجه به شرایط مختص ایران در قانون مکمل، پیش‌بینی شود. این کاستی نه به دلیل قصور وزارت مذکور از انجام تعهدات کشور در زمینه اجرای قانون کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، بلکه ناشی از نبود سیاستگذاری و قانونی است که براساس آنها شیوه‌ها و همه اقدامات پاسدارانه و دستگاه‌های مجری به‌طور واضح و صریح مشخص شده باشد. بدین منظور لازم است ابتدا صیانت از میراث ناملموس و شیوه‌های نه صرفاً براساس چارچوب کنوانسیون ۲۰۰۳ بلکه همچنین سازگار با شرایط داخلی ایران تعریف و تبیین شود. طبق کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، و همچنین براساس تجارب سایر کشورها، صیانت و پاسداری، به همه اقدام‌هایی اطلاق می‌شود که ماندگاری میراث فرهنگی ناملموس را تضمین می‌کنند. از جمله این اقدامات عبارتند از: شناسایی و ثبت؛ مستندسازی؛ پژوهش؛ تقدیر، حفظ و حمایت و ارتقا؛ معرفی و ترویج؛ انتقال، به‌ویژه از طریق آموزش رسمی و غیررسمی؛ حفظ و صیانت از بسترهای طبیعی که در پیدایش، تکامل و انتقال نسل به نسل مصادیق، مؤثر بوده‌اند؛ کاربردی‌سازی میراث ناملموس در بسترهای توسعه ایران امروز و سایر اقدامات و ابتکارات که به ماندگاری میراث ناملموس کمک نموده و با شرایط داخلی ایران سازگار باشد.

۱. در حال حاضر پیش‌نویس لایحه دیگری تحت عنوان «حمایت از نمادهای فرهنگ عامه» از سوی وزارت دادگستری در دست تدوین است.



## ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها



میراث ناملموس به‌عنوان روح و درون‌مایه میراث ملموس، از نظر قوانین و مقررات مورد توجه کافی قرار نگرفته است. در واقع، آنچه امروز میراث ناملموس نامیده می‌شود بخش مهمی از حیات متداول و روزمره مردمان پیشین بوده، نقش مهمی در معیشت، توسعه و پیشرفت، سازگاری با اقلیم و حفظ منابع طبیعی محل زیست این مردمان ایفا می‌کرده است. امروزه نیز برخی مظاهر این میراث ارزشمند در برخی مناطق کشور و در میان بخشی از اقشار جامعه همچنان متداول است و کاربردهای مؤثری دارد. انواع هنرهای سنتی در میان هنرمندان صنایع دستی و دانش سنتی مدیریت آب و قنات در برخی مناطق از این جمله‌اند. سایر مظاهر میراث ناملموس نیز در قالب آیین‌ها، آداب، رسوم، سنت‌ها، زبان‌ها و گویش‌ها در حیات امروز مردم نمود بارز دارند. از جمله این مظاهر، آیین‌های پهلوانی و زورخانه‌ای است.<sup>۱</sup>

این میراث نباید در قالب قانون کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی ناملموس مصوب ۱۳۸۴ (که البته بیشتر جنبه توصیه‌ای دارد) محدود بماند. چرا که ثبت مصادیق این میراث، صرفاً یکی از گام‌های صیانت به حساب می‌آید اما کشور عملاً در این اقدام حاکمیتی مرزبندی کرده است. البته این ضعف را نمی‌توان در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جست‌وجو کرد زیرا ریل‌گذاری‌های بیشتر تقنین و نظارتی برای این حوزه صورت نگرفته است. بنابراین پیشنهادهای زیر مفروض است:

### ۷-۱. پیشنهادهای سیاستی

پیشنهاد می‌شود در سندی مرتبط با حوزه فرهنگ سیاست‌های کلی نظام که از سوی مجمع تشخیص نظام تهیه می‌شود، محورهای زیر مدنظر قرار گیرد:

۱. تشویق و حمایت عموم مردم و نیز جوامع سنتی و محلی ذی‌نفع و سایر دارندگان<sup>۲</sup> در اعمال میراث ناملموس با رعایت چارچوب و الگوهای فرهنگی اسلامی ایرانی، تا از این طریق میراث ناملموس پویایی خود را حفظ کرده و به نسل‌های آتی منتقل شود.
۲. تنها آن دسته از مصادیق میراث ناملموس مورد حمایت قانون است که موافق و منطبق با اصول قانون اساسی باشند و مصادیق مغایر با ارزش‌های اسلامی ایرانی و مغایر با حقوق انسانی و فرهنگی مردم ایران، مصرح در اصول قانون اساسی، مورد تأیید و حمایت نیستند.
۳. ارتباط موضوعی و نقش میراث ناملموس در مبحث امنیت ملی و تأمین منافع فرهنگی ایران در عرصه سیاست خارجی از طریق حفظ و صیانت از میراث ناملموس ایران.

### ۷-۲. تصویب قانون جدید

ایجاد نظام حقوقی صیانت از میراث فرهنگی ناملموس ایران، براساس سیاست‌های کلی حوزه فرهنگ که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تدوین و از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شود نیز ضرورتی اکید است. روشن است که در زمینه میراث ناملموس، خلأ قانونی وجود دارد و لازم است برای صیانت مؤثر میراث فرهنگی ناملموس ایران با توجه به کاستی‌های مشروح در این گزارش، قانون صیانت از میراث ناملموس ایران تصویب شود. این قانون باید ملاحظات زیر را داشته باشد:

- تأکید بر نقش دولت، در حمایت و پشتیبانی از میراث ناملموس،
- تبیین ارتباط و پیوندهای حقوقی لازم میان دو بخش میراث فرهنگی ملموس و ناملموس،
- در نظر گرفتن نقش و وظایف و تعهدات دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع،
- ترویج میراث ناملموس در حیات جاری در همه ابعاد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی،

۱. دو اثر «هنر نمایشی آیینی تعزیه» و «آیین‌های پهلوانی و زورخانه‌ای» در فهرست معرف میراث ناملموس بشریت یونسکو به نام ایران ثبت شده‌اند.  
۲. فرقه‌های انحرافی یا در صددیت با فرهنگ اسلامی - ایرانی هیچ‌گونه ارتباطی با موضوع میراث ناملموس ندارند و مورد تأیید این گزارش نیستند.

- احیای دانش سنتی و ترغیب یا الزام عموم در به کار گیری آنها در حیات مدرن،
- شناسایی و تلفیق شیوه های سنتی با شیوه های جدید در زمینه آموزش، معماری، در برنامه های توسعه شهری،
- حمایت از تولیدات فرهنگی ذی حقان در زمینه میراث ناملموس از طریق سازوکار های لازم و حمایت های مربوط به صادرات این کالاها،
- توانمندسازی جوامع سنتی و محلی در راستای صنایع دستی و هنر های سنتی،
- حمایت حقوقی و ضمانت کیفری،
- مسئولیت عمومی نسبت به میراث ناملموس،
- ایجاد زمینه های لازم برای انتقال مهارت ها، فنون، هنرها و دانش سنتی این افراد - که در زمره مفاخر زنده ایران هستند - به نسل جوان از طریق اجرای کارگاه های آموزشی، دوره های آموزشی، تدریس، اجرا و غیره نیز از ضرورت های قانون مورد نظر است.

### ۳-۷. تأسیس پایگاه و یا مرکز میراث ناملموس ایران

- میراث فرهنگی ناملموس در ذات و ماهیت به حیات جاری مردم مربوط است. از این رو، باید وظیفه صیانت از آن نیز به عهده خود مردم قرار داده شود. بر این اساس لازم است تا دولت با مشارکت مردم پایگاهی مردمی تأسیس کند تا امر صیانت از میراث فرهنگی ناملموس با مشارکت مردم انجام شود. بدیهی است که اقدامات پشتیبانی از جانب دولت همچنان به قوت خود باقی خواهد بود. پایگاه مورد نظر، متشکل از نمایندگان مردمی از جمله سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه میراث فرهنگی ناملموس است و نقش رابط مردم و دولت را در زمینه میراث فرهنگی ناملموس ایفا می کند. هدف از ایجاد این پایگاه، صرفاً تمرکز بخشیدن به حوزه میراث ناملموس است و در زمینه موارد ذیل فعالیت می کند:
- هدایت و اطلاع رسانی به جوامع سنتی و محلی و ذی نفعان،
  - آگاهی سازی عمومی به ویژه در میان جوانان،
  - برگزاری گردهمایی ها، نمایشگاه ها، جشنواره ها،
  - فعالیتهای انتشاراتی، پژوهش و مطالعات تطبیقی،
  - هر گونه فعالیتهای مربوط به ترویج و معرفی میراث ناملموس ایران در سطوح داخلی و بین المللی و همکاری منطقه ای با نهادهای مردمی کشورهای دارای میراث فرهنگی ناملموس مشترک،
  - ارتباط و هماهنگی با نهادهای دولتی و عمومی غیردولتی در امور مربوط به میراث فرهنگی ناملموس.



## منابع و مآخذ



- [۱] قانون الحاق به کنوانسیون حراست از میراث فرهنگی ناملموس، ۱۳۸۴، مجلس شورای اسلامی.
- [۲] قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۷، مجلس شورای اسلامی.
- [۳] گزارش ارائه بسته تقنینی جامع میراث طبیعی ایران، ۱۴۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۴] اعتراض ایران به تهیه پرونده ثبت جهانی «چوگان» توسط جمهوری آذربایجان، خبرگزاری مهر، ۲۹ مهر ۱۳۹۲، کد خبر ۹۲۰۷۲۹۱۷۸۴۹.
- [۵] دعوای دو کشور بر سر نان لواش، خبرگزاری ایسنا، ۹ آذر ۱۳۹۳، کد خبر ۹۳۰۹۰۹۰۵۳۹۴.
- [۶] اعتراض افغانستان به ثبت هنر مینیاتور در یونسکو بدون نام این کشور، خبرگزاری صدای افغان (آوا)، ۲۷ قوس ۱۳۹۹، کد خبر ۲۲۷۹۱۸.



#### گزیده سیاستی

میراث فرهنگی ناملموس، ظرفیتی مهم در زمینه رشد و پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور است که برای میانت از آن لازم است نهادسازی، تشویق مشارکت مردمی و توجه به جوامع محلی در قالب اقدامات سیاستی و تقنینی صورت گیرد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir